اعجاز قرآن در اندیشه های شهید مطهری (ره)

پدید آورنده : صالحه ملکوتی ، صفحه 2

به انگیزه 12 اردیبهشت، روز پاسداشت شهید مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری، معجزه و اعجاز قرآن را به طور دقیق و علمی مورد بحث و بررسی قرار داده اند که خلاصه ای از آن در این مقاله آورده می شود.

تعریف معجزه

«معجزه از ماده «عجز» یعنی ناتوانی، و معجزه یعنی کاری که دیگران در مقابل آن ناتوانند و کسی دیگر قادر به انجام آن نیست.»1

ایشان واژه «خرق عادت» را که برخی به جای معجزه نقل می کنند، مناسب نمی دانند و معتقدند که این کلمه برداشتی است که اشاعره از معنای معجزه داشتند .2

استاد در ادامه می فرمایند:

«اصولاً در قرآن نه کلمه معجزه استعمال شده و نه خرق عادت، قرآن لفظ دیگری را به کار برده و آن کلمه «آیت» است که به نظر می رسد از هر دو کلمه معجزه و خرق عادت رساتر به مقصود است. آیت یعنی نشانه و یا دلیل محکم. معجزه همان دلیل محکمی است که ادعای نبوت را اثبات می کند و به همین مناسبت نیز «آیت» خوانده می شود.»3

استاد در این قسمت به نقد برخی تعاریف در مورد «معجزه» می پردازند. ایشان در نقد برخی که در تعریف معجزه گفته اند: «معجزه یعنی آن چه که بدون علت روی می دهد» می فرمایند:

«این تعریف، بسیار نادرست است و شاید مادی مسلکان و آنان که می خواهند معجزه را نفی کنند این نغمه را آغاز کرده اند و سپس کم و بیش به سر زبان ها افتاده است؛ زیرا کسانی که طرفدار معجزه هستند می خواهند آن را دلیل بر چیزی بدانند و حال این که اگر معجزه بدون علت رخ داده باشد، دلیل بر هیچ امری نخواهد بود. وانگهی اگر یک چیزی بدون علت پیدا شود دیگر هیچ چیز را در عالم نمی شود اثبات کرد حتی خدا را؛ زیرا ما خدا را به دلیل این که علت عالم است می شناسیم و اگر فرض کنیم که در هستی نظامی وجود ندارد بلکه ممکن است چیزی بدون علت پدید آید، این احتمال را که عالم به کلی به طور تصادفی و بدون علت پدید آمده است نمی توانیم رد کنیم، پس این تعریف برای معجزه بسیار نادرست است.»4

ایشان در مورد تعریف دیگری که معجزه را استثناء در قانون علیت ندانسته و آن را جانشین علت واقعی یک شی ء قلمداد می کند، می فرمایند:

«این گفتار نیز ناشی از عدم اطلاع بر علوم عقلی است؛ زیرا پس از آن که پذیرفتیم در عالم، نظام علت و معلوم حکم فرماست، این نظام قرار دادی نیست که بشود آن را تغییر داد بلکه طی یک رابطه حقیقی و واقعی و تخلف ناپذیر است.»5

ایشان در مقابل این دو تعریف، از تعریف سومی سخن می گویند که اشکالات عقلی فوق بر آن وارد نمی گردد:

«معجزه» نه نفی قانون علیت است و نه نقض آن بلکه خرق ناموس طبیعت است، آن چه از غیر مسیر و جریان عادی و طبیعی به وجود آمده «معجزه» نام دارد. به بیان بهتر «معجزه» خارج شدن امری است از جریان عادی، به نحوی که دخالت ماوراءالطبیعه در آن آشکار باشد.»6

ضرورت معجزه

شهید مطهری با اشاره به این که انکار معجزه بودن قرآن، انکار قرآن است می فرمایند:

«عده ای از آن جا که راز معجزه را درک نمی کنند با وجود این که دلشان می خواهد به نحوی قرآن را بپذیرند، ولی معجزه بودن آن را انکار می کنند و یا به کلی از ریشه، وجود معجزه را در عالم نفی کرده و تمام معجزاتی را که در قرآن آمده مثل شکافته شدن دریا برای موسی و یا اژدها شدن عصای او، به معنای طبیعی حمل نموده و به توجیهات باردی دست می زنند و این چیزی جز انکار قرآن نیست. قرآن مجید در آیات متعددی به نقل معجزات انبیای سلف می پردازد و این گونه آیات اولاً اصل وجود معجزه را اثبات کرده و ثانیاً می رساند که قرآن نیز یکی از معجزات الهی است، این ما هستیم که بایستی دعوت قرآن را که همواره بندگان با وجدان را دعوت به تفکر می کند اجابت نموده و موضوعات قابل تفکر و تعقل را که یکی از آن ها همین معجزه بودن قرآن است مورد اندیشه انسانی قرار دهیم و راز آن را کشف نماییم.»7

ویژگی های اعجاز

استاد مطهری (ره) قرآن کریم را از جنبه های مختلف، معجزه و فوق بشری دانسته و ویژگی های آن را به دو جنبه کلی تقسیم نموده و فرموده اند:

«از نظر کلی اعجاز قرآن از دو جهت است: لفظی و معنوی، اعجاز لفظی قرآن مربوط می شود به مقوله زیبایی و اعجاز معنوی آن به مقوله علمی. پس اعجاز قرآن یکی از جنبه زیبایی و هنری است و دیگر از جنبه فکری و علمی، هر یک از این دو جنبه به نوبه خود دارای چند جهت است.»

استاد پس از ذکر این مطلب به بیان برخی از ویژگی های اعجاز قرآن پرداخته که در این جا به طور خلاصه آورده می شود:

فصاحت و بلاغت

ایشان بر این وجه تأکید کرده و در توضیح آن می فرمایند:

«یکی از وجوه اعجاز که از قدیم الایام مورد توجه قرار گرفته و فوق العاده مورد توجه بوده است جنبه لفظی و جنبه ظاهری قرآن است که جنبه «فصاحت و بلاغت» است. قرآن در عین حال که زیبایی را منتها درجه دارد، سبکش از سبک شعر و کذب و مبالغه به کلی به دور است. فصاحت بیش از آن که با فکر انسان یعنی با علم و عقل سر و کار داشته باشد با احساس و دل او سر و کار دارد. زیبایی ادراک می شود، توصیف نمی شود، یک احساسی است که در هر کسی هست و لهذا به شکل های مختلف زیباست و نمی شود زیبایی آن را معین و تعریف کرد.»8

وی در جای دیگر بقای قرآن را مدیون سه چیز می داند: 1. مطلبش زبان فطرت بشر است 2. با عباراتی در نهایت فصاحت و بلاغت بیان شده است 3. دستور اکید صادر شده که قرآن را با قرائت و آهنگ لطیف بخوانید.9

استاد مانند اکثر علمای اسلامی معتقد است که قرآن تنها از جنبه فصاحت و بلاعت معجزه نیست، وی در این باره می گوید:

«بوده اند در میان علمای اسلام که گفته اند این حرف ها چیست که آمده اند قرآن را تنزل داده و گفته اند که اعجاز قرآن در فصاحت و بلاعت آن است، (ایشان) نخواسته اند مسئله فصاحت و بلاغت را انکار کنند، خواسته اند بگویند قرآن به این جهتش اعتنایی ندارد. بعضی دیگر که مجذوب فصاحت و بلاغت قرآن شده اند به محتویات قرآن چندان توجه نکرده اند؛ ولی البته قول صحیح همان است که نباید هیچ جنبه ای را مورد غفلت قرار داد. قرآن معجزه است؛ هم به محتویات خودش و هم به لفظ و شکل و زیبایی.»10

«قرآن فصاحتی دارد فوق حد بشری و نفوذ خود را مرهون زیبایی اش است. قرآن از نظر بیان و فصاحت، روانی و جاذبه و قدرت تأثیر به گونه ای ساخته شده که روی دل ها تأثیر شگرف می گذارد.»11

«بشر نمی تواند معانی بسیار زیبا و عالی و لطیف را با بیان لطیف ذکر کند جز آن که جامه ای از امور حسی و خیالی بر آن بپوشاند و این از ناتوانی و بیچارگی بشر است اما قرآن ابداً اینجور چیزها را نیاورده و این از نهایت و کمال قدرت قرآن است، اگر انسان به معانی قرآن و به زبان عربی و فن فصاحت و بلاغت آشنا بشود، آن وقت واقعاً لطف تعبیرات قرآن را درک می کند، احساس می کند که این نوع دیگری از تعبیر و بیان است و انسان خود را تحت نفوذ قرآن می بیند و می بیند یک سنخیت خاصی دارد و روح انسان را به سوی خود می کشد.»12

آهنگ پذیری قرآن

یکی از وجوهی که استاد بر آن تأکید زیاد دارند، وجه آهنگ پذیری قرآن است و آن را یک ویژگی قدیمی می دانند و در این رابطه می فرمایند:

«مسئله ای که راجع به سبک قرآن و از قدیم مورد توجه بوده است، آهنگ پذیری قرآن است. تا آنجا که نشان داده اند در زبان ها جز شعر، چیز دیگری آهنگ نمی پذیرد، البته هر نثری را هم می شود با آواز بلند خواند اما آن کسی هم که آهنگ ها را نمی شناسد می فهمد که اگر این راه ساده بخوانند بهتر از آن است که با آواز بخوانند؛ ولی یک چیز آهنگ پذیر چیزی است که و قتی آن را با آهنگ می خوانند آن را بهتر بیان می کند تا وقتی که ساده می خوانند، به این می گویند «آهنگ پذیری» یعنی آهنگ آن را بهتر بیان می کند تا غیر آهنگ. در حالی که قرآن شعر نیست. قرآن یگانه نثری است آهنگ پذیر، این که توصیه شده که قرآن را به صوت حسن بخوانید، برای همین بوده است که در قرآن چنین استعداد و پذیرشی بوده است، تحمل پذیری آهنگ، آن هم آهنگ های مختلف یکی از جنبه های زیبایی قرآن است.»13

استاد در جای دیگر در توضیح این جنبه از اعجاز، هیچ سخن نثری را مانند قرآن آهنگ پذیر نمی دانند و آن آهنگ ها را آهنگ های مخصوص با عوالم روحانی دانسته و معتقدند:

«زیبایی قرآن زمان و مکان را در نوردیده و پشت سر گذاشته است. بسیاری از سخنان زیبا مخصوص یک عصر است و با ذائقه عصر دیگر جور در نمی آید و یا حداقل مخصوص ذوق یک ملت است ولی زیبایی قرآن نه زمان می شناسد و نه نژاد و نه فرهنگ مخصوص. عجیب این است که کلام خود پیغمبر که قرآن بر زبان او جاری شده است، با قرآن متفاوت است، حتی سخنان علی(ع) نیز که پس از قرآن، بالاترین سخن هاست، با قرآن متمایز و متفاوت است.»14

اعجاز در الفاظ

«سبک قرآن نه شعر است و نه نثر، شعر نیست زیرا وزن و قافیه ندارد به علاوه شعر معمولاً با نوعی تخیل شاعرانه همراه است، قوام شعر به مبالغه و اغراق است که نوعی کذب است، در قرآن تخیلات شعری و تشبیه های خیالی وجود ندارد، در عین حال نثر معمولی هم نیست زیرا از نوعی انسجام و آهنگ و موسیقی برخوردار است که در هیچ سخن نثری تا کنون دیده نشده. قرآن موضوعاتی را که معمولاً زمینه هنرنمایی بشر در سخن سرایی است و افراد بشر اگر بخواهند هنر سخنوری خویش را بنمایانند آن زمینه ها را انتخاب می کنند و سخن خویش را با پیش کشیدن آن ها زیبا می سازند، از فخر، مدح، هجو، مرثیه، غزل و توصیف زیبایی های طبیعت، مطرح نکرده و درباره آن ها داد سخن نداده است، موضوعاتی که قرآن طرح کرده همه معنوی است توحید است، معاد است، نبوت است... و در عین حال در حد اعلای زیبایی است. هندسه کلمات در قرآن بی نظیر است، نه کسی توانسته یک کلمه قرآن را پس و پیش کند بدون آن که به زیبایی های آن لطمه وارد سازد و نه کسی توانسته است مانند آن بسازند. قرآن از این جهت مانند یک ساختمان زیباست که نه کسی بتواند با جابجا کردن و تغییر دادن، آن را زیباتر کند و نه بتواند بهتر از آن و یا مانند آن را بسازد. سبک و اسلوب قرآن نه سابقه دارد و نه لاحقه و نه بعداً کسی توانسته است با آن رقابت کند و یا از آن تقلید کند.»15

آن چه تا کنون از ویژگی های اعجاز گذشت، از جنبه لفظی بود؛ اما آن چه از قسم معنوی نشان دهنده اعجاز قرآن است از بیان استاد به شرح ذیل است.

موضوعات قرآن

«موضوعاتی که در قرآن طرح شده است زیاد است و نمی توان به طور جزئی برشمرد، موضوعاتی از قبیل توحید، معاد، اخلاق، احکام، خداشناسی، خلقت و...»16

معانی قرآن

«اعجاز قرآن از نظر معانی نیازمند به بحث وسیعی است و لااقل نیازمند یک کتاب است، قرآن نه کتابی فلسفی است، نه علمی نه ادبی نه تاریخی نه صرفاً یک اثر هنری است همچنان که پیامبر اکرم (ص) و عموم پیامبران، نه فیلسوف اند، نه عالم، نه ادیب نه مورخ و نه هنرمند و در عین حال همه این ها را با چیزهایی اضافه تر دارند، قرآن نیز که کتاب آسمانی است هیچ کدام از این کتب نیست، در عین حال مزایای همه آن ها را به علاوه یک سلسله مزایای دیگر دارد، قرآن کتاب راهنمایی بشر و در واقع کتاب انسان است و چون کتاب انسان است، کتاب خدا هم هست زیرا انسان نفخه روح الهی است.»17

تاریخ و قصص

«قرآن، تواریخ و قصصی آورد که مردم آن عصر چیزی از آن ها نمی دانستند و خود پیامبر نیز از آن ها بی خبر بود. «ما کنتُ تعلَمُها أنت و لا قومک» و در همه مردم عرب، یک نفر مدعی نشد که این داستان ها را می دانستیم، قرآن در این داستان ها از تورات و انجیل (تحریف یافته) پیروی نکرد بلکه آن ها را اصلاح کرد.»18

قرآن و خبر از آینده

«قرآن هنگامی که ایران، روم را شکست داد و موجب خوشحالی قریش شد با قاطعیت کامل گفت در کم تر از ده سال دیگر، روم، ایران را شکست خواهد داد و بعد همان طور شد که قرآن خبر داده بود. همه این ها اعجاز این کتاب را می رساند».19

اعجاز علمی

شهید مطهری (ره) جنبه علمی و فکری را مربوط به محتویات قرآن می داند و در این باره می افزاید:

«بیان قرآن، بیانی است ما فوق عصر و زمان خود و حتی خیلی مقدم بر ازمنه ای که هست الی یومنا هذا»20

«مثلاً قرآن درباره توحید و خدا بحث کرده، مسائلی که مربوط به خداوند و ماوراءالطبیعه است (همچنین) مسائلی چون اخلاق و تربیت و به طور کلی هدایت و راهنمایی بشر، مقررات و قوانین، مسائلی در زمینه طبیعیات، آسمان ها، زمین، ستاره ها حیوانات و... با توجه به این که کسی که این سخنان را گفته یک مرد عرب امی بوده، این نشانه اعجاز است.»21

البته استاد در این مورد توضیح داده اند که اگر مطلبی را از قرآن استنباط می کنیم هیچ اصراری نداریم که حتماً آن را با علوم روز منطبق کنیم، زیرا علم بشر را متغیر دانسته و در هر دوره و زمانی نظریه ای دارد که در زمان دیگر نیست. در نتیجه ایشان می فرمایند: ما اصرار نداریم که آن چه را که در قرآن آمده است، حتماً تطبیق بکنیم با آن چه که علوم قدیم گفته اند یا علم جدید می گوید.22

قابلیت بقا

استاد، قرآن را نسبت به سایر معجزات، دارای ویژگی های خاص دانسته و با ذکر دو مزیت برای آن، این مطلب را توضیح داده و مزیت نخست را «از نوع سخن بودن قرآن» ذکر کرده و فرموده اند: «به اندازه ای که سخن، گوینده را نشان می دهد، هیچ کار دیگری، کننده را نشان نمی دهد، اگر عصایی تبدیل به اژدها می شود روح آن کننده را نشان می دهد ولی تا حدود زیادی ابهام دارد یعنی آن طوری که سخن می تواند گوینده و فاعل خودش را نشان بدهد هیچ کار دیگری نشان نمی دهد. مزیت دیگر آن، قابلیت بقای آن است ؛ زیرا هیچ اثری به اندازه سخن، قابل بقا نیست و سرّ این که معجزه اصلی خاتم الانبیا از نوع سخن انتخاب شده است این است که این دین، دین خاتم است و دینی است که باید برای همیشه باقی بماند و یگانه اثری که می تواند به طور جاویدان و دست نخورده باقی بماند، سخن است.»23

امی بودن پیامبر

شهید مطهری (ره) یکی از مهم ترین ویژگی های اعجاز قرآن کریم را «امی بودن آورنده آن» می دانند و در بخش های مختلف به آن اشاره کرده اند، از جمله در جایی فرموده اند:

«هیچ کتابی طرف قیاس با قرآن نیست، با توجه به این که قرآن به وسیله فردی نازل شده که امی و درس ناخوانده بوده و با افکار هیچ دانشمندی آشنا نبوده است و بالاخص اگر در نظر بگیریم که چنین فردی از بدوی ترین و جاهلی ترین محیط بشری بوده است و مردم آن محیط عموماً با تمدن و فرهنگ بیگانه بوده اند.»24

نظریه صرفه

استاد، در زمینه نظریه صرفه تنها به ذکر نظریه پرداخته و در صدد پاسخگویی به آن بر نیامده و شاید به این دلیل باشد که آن را اینقدر سست و بی پایه دیده اند که نیازی به پاسخگویی آن ندانسته اند.

ایشان علت این که برخی قائل به نظریه صرفه شده اند را اقدام برخی افراد جاهل دانسته اند که خواسته اند با قرآن معارضه کنند و مانند آن بیاورند، استاد در این باره می فرمایند:

«تقلیدهایی که بعضی اشخاص خواسته اند بکنند آنقدر مفتضح و رسواست که برخی قائل به «صرف» شده اند، یعنی می گویند چون اینها خواسته اند با قرآن معارضه کنند خداوند آنهارا مجازات کرده است که این ها آنقدر سطح پایین سخن بگویند که رسوا و مفتضح شوند، یعنی وقتی خواسته اند با قرآن معارضه کنند، آنقدر از سطح عادی پایین تر گفته اند که عده ای آن را به نوعی مجازات الهی دانسته اند».25

پی نوشت ها:

1و2. آشنایی با قرآن، ج 2، ص 149.

3. همان، ص 139 و 140.

4. همان، ص 141ـ 143.

5. همان، ص 143.

6. همان، ص 138.

7. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مجموعه آثار شهید مطهری، ش 2، ص 213.

8. نبوت، مجموعه آثار شهید مطهری؛ ش 4، ص 533 و 532.

9. آشنایی با قرآن، ج 5 ، ص 226.

10. نبوت، مجموعه آثار شهید مطهری (ره) ش 4، ص 535.

11. حماسه حسینی، مجموعه آثار شهید مطهری، ش 17، ص 336 و 337.

12. نبوت، همان، ص 569 و 570 (با تلخیص و تقطیع).

13. همان، ص 556-554.

14. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مجموعه آثار شهید مطهری، ش 2، ص 214 ـ 216.

15. همان، ص 213-216.

16. همان، ص 220.

17. همان، ص 216.

18. همان، ص 223.

19. همان.

20. نبوت، مجموعه آثار شهید مطهری، ش 4، ص 540.

21. همان،ش 4، ص 547-550.

22. آشنایی با قرآن، ج 8 ،ص 168 (با تقطیع).

23. نبوت، همان، ص 528 و 529.

24. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مجموعه آثار شهید مطهری، ش 4، ص 552.

25. نبوت، مجموعه آثار شهید مطهری، ش 4، ص 552 .